

# برگزانه غدیر

● غلامرضا گل‌زواره

سرخوش و مستیم زبرنا و پیر  
درد کشانیم زخم غدیر  
ای ز دمت هر دو جهان فیض ناب  
خورده دو عالم زغدیر تو آب  
این نه غدیر، این یم بی‌منتهاست  
عقل نداند که کرانش کجاست  
جرعه کشانند صغیر و کبیر  
تا ابد از رشحه این آبگیر



با انتظار، سرانجام فرار می‌رسد و خداوند، خواسته حبیب خویش را برآورده می‌کند. امین وحی - جبرئیل - مهم‌ترین و حیاتی‌ترین موضوع اساسی اسلام را که پیامبر، مدت‌ها چشم به راه اعلام آن از سوی حق تعالی بود، آشکار می‌نماید. فروغ نبوت، کلماتی را زیر لب زمزمه می‌کند. با اشاره وی، کاروان‌ها می‌ایستند. اطرافیان و حاضران، به خوبی نغمه آسمانی را که جبرئیل امین فرو فرستاده، از زبان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌شنوند که: «ای پیامبر! آن‌چه از پروردگارت به تو نازل شده است، به مردم برسان که اگر چنین نکنی، رسالت خداوندی را نرسانده‌ای و در این کار از کسی پروا مکن که خدا تو را حفظ می‌کند»<sup>۱</sup>.

برجای بلندی، روی تخته سنگ‌های دامنه کوهستان، از چندجهاز شتر، منبری فراهم کردند تا پیامبر بتواند از فراز آن، کاروانیان را از موضوعی مهم با خبر سازد. آن حضرت پس از خطبه‌ای طولانی، کمر بند علی علیه‌السلام را گرفت و با نیرویی فوق‌العاده، او را بلند کرد؛ آن‌گاه به دنبال سخنان خویش افزود: ای مردم! آیا من سزاوارتر به شما از خودتان نمی‌باشم؟ آن‌ها پاسخ دادند: چنین است. آن‌گاه، منشور ملکوتی رهبری امت را برای حاضران خواند: «هرکس من مولای اویم، علی مولای اوست» سپس، مردم را از مخالفت با علی علیه‌السلام ترساند و پی‌در پی، مخالفان را به عذاب دردناک ابدی، قهر خداوند و خشم الهی بیم داد و برای دوستانش، سعادت جاویدان و بهشت موعود

## منشور ملکوتی

تلاش طاقت‌فرسا و اهتمام انبیای الهی، فضیلت را شکوفا و شکوه معنویت را به ارمغان آورد و بر اثر استمرار حرکت آن فرستادگان آسمانی، افق تاریک گیتی برای تابش فروغ عالم‌تاب قرآن مهیا گشت.

ده سال از هجرت خاتم رسولان می‌گذرد. در خلال این مدت، شالوده دین مقدس اسلام در پرتو مجاهدت‌ها و مبارزات شبانه‌روزی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و یارانش، پی‌ریزی شده و دامنه تعلیمات قرآنی مرزهای جزیره العرب را در نور دیده بود.

چند روزی است که مراسم حج پایان یافته و آفتاب سوزان هجدهم ذی‌حجه، رفته‌رفته به نصف‌النهار نزدیک می‌شود. اینک به ناحیه‌ای رسیده‌اند که «غدیرخم» نام دارد و این جایگاهی است که از آن، راه اهل مدینه و مصریان و عراقیان از هم جدا می‌شود. مصطفای پیامبران، چشم‌بر آسمان دوخته، به افق می‌نگرد. گویی از مشرق انوار وحی الهی، منتظر فرمانی بزرگ و امری خطیر است! این لحظه‌های توأم

ضمانت کرد. در حالی که خطبه‌اش رو به پایان بود<sup>۲</sup> و هنوز دریای جمعیت احاطه‌اش کرده بودند، فرشته وحی، آیهای فرود آورد و پیامبر را مأمور کرد برای مردم بخواند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با آوایی فرح‌زا و روح‌پرور، چنین خواند: «امروز دین شما را کامل و نعمتم را برایتان کامل کردم و خشنود گشتم که اسلام، آئین شما باشد»<sup>۳</sup>. آن‌گاه صدای خویش را بلندتر کرد و فریاد زد: «الله اکبر» و افزود: دین کامل شد، نعمت خداوند اتمام پذیرفت و پروردگار، به رسالت من و امامت علی علیه‌السلام پس از من، خشنود شد و در برابر حدود یکصد و بیست هزار نفر مسلمان، از منبر فرود آمد؛ در حالی که بسیار شادمان بود؛ چرا که وظیفه‌ای مهم را انجام داده و فرمانی بزرگ را ابلاغ کرده بود.

## فراز و فرود

بدین‌گونه، فصل نوبنی در تاریخ اسلام گشوده شد؛ زیرا شایسته‌ترین انسان برکسی‌جانشینی نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

جای گرفت؛ پس غریبشادی، از میان انبوه مردم برخاست. افراد، دسته دسته به حضورش می‌رسیدند و دست مردانه‌اش را به عنوان پیشوایی می‌فشرده، بزرگان قبایل و طوایف و مهاجر و انصار، به حضورش می‌رسیدند و رهبری‌اش را شادباش می‌گفتند. آری! کسی به عنوان وصی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برگزیده شد که در فضیلت، برترین سرمشقی است که اسلام برای پیروانش ترسیم کرده است؛ همو که یکی از شاعران مصری درباره‌اش گفته است: «اگر بگویند اسلام، و نامش را با آن [علی] نبرند، گویی قلبی است که در آن خونی جریان ندارد».<sup>۴</sup>

عبدالفتاح عبدالمقصود یکی از نویسندگان بزرگ می‌گوید: «من همیشه موهبت‌ها و ارزش‌های شخصی را مقیاس عظمت انسانی قرار می‌دادم و هم اکنون، چنین اعتقادی دارم؛ از این‌روی، پس از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، هیچ‌کس را نیافتم که شایسته‌تر باشد و وی را دنباله وجود محمد بدانم یا در ردیف او قراردهم، مگر حضرت علی علیه‌السلام. و من در این نظر، انگیزه حماسه‌سرایایی برای مذهب تشیع ندارم؛ بلکه این عقیده‌ای است که حقایق تاریخی بدان گواه است».<sup>۵</sup>

حال چه شد که حضرت علی با این مقامات معنوی و فضایل ملکوتی، خانه‌نشین شد؟

چرا بعد از رحلت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، میان مسلمانان، تفرقه به وجود آمد؟ لازم است که نسل جوان اسلامی بتواند آن‌چه را که مورخان مغرض، عملاً کتمان کرده‌اند، درک کند و بداند که نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به امامت و وصایت و خلافت علی علیه‌السلام، با صراحت اصرار ورزید؛ اما برخی صحابه چنین توصیه‌ای را به بوته فراموشی سپردند. اگر به فرمان بنیان‌گذار بزرگ اسلام گردن نهاده بودند، سرنوشت جهان اسلام، جز آن می‌شد که اتفاق افتاد و مسلمانان هرگز گرفتار پراکندگی نمی‌شدند و اتحاد و اتفاقشان، آنان را در برابر هر آفت و بلایی بیمه می‌کرد. معلم بزرگ انسان‌ها، جانشینی برای خود معرفی کرد که در علم و معرفت، شجاعت، اراده و حکمت، کفایت فوق‌العاده‌ای داشت؛ هدایتش قرآنی، حیاتش زاهدانه و عملش مطابق حق بود. رحمت و محبت و قاطعیت او از منطق و متن قرآن و سنت سرچشمه می‌گرفت و در هیچ شرایطی حکم خدا را فراموش نمی‌کرد؛ اما با نهایت تأثر و تأسف، جز به آن‌چه رسول الله می‌خواست و می‌فرمود، عمل شد و مسلمانان، بزرگ‌ترین فرصت تاریخی را از دست دادند.

لازم است که نسل جوان اسلامی بتواند آن‌چه را که مورخان مغرض، عملاً کتمان کرده‌اند، درک کند و بداند که نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به امامت و وصایت و خلافت علی علیه‌السلام، با صراحت اصرار ورزید؛ اما برخی صحابه چنین توصیه‌ای را به بوته فراموشی سپردند. اگر به فرمان بنیان‌گذار بزرگ اسلام گردن نهاده بودند، سرنوشت جهان اسلام، جز آن می‌شد که اتفاق افتاد.

### چشمه‌ای که در دشت‌ها جاری نشد

غدير، برای سعادت ابدی انسان و آزادی واقعی او و نیز اجرای عدالت در جامعه، ضرورت داشت و اگر مسیر این حرکت سترگ منحرف نمی‌شد و اگر گذشتگان برگرد آن حصارى نکشیده و در طول اعصار، راهش را بسته بودند، اکنون چشمه زلال و روان آن، سراسر گیتی را فراگرفته و همه انسان‌ها را سیراب کرده بود.<sup>۶</sup>

سکوت حیرت‌انگیز مورخانی چون طبری، ابن‌هشام و ابن‌اثیر درباره غديرخم سبب شده است که مورخان بعد از آنان نیز چنین ماجرای مهمی را به سکوت بگذارند یا در وقوع آن شک کنند البته این پندار که سکوت تمامی این تاریخ‌نویسان از باب تقیه یا به پاس مراعات احوال زمان بوده باشد، با خرد و منطق سازگار نیست؛ چرا که بسیاری از محدثان معروف، خبر واقعه را به راه‌های گوناگون و سندهای بی‌شمار نقل کرده‌اند؛ بی‌آن‌که انگیزه‌های شیعی داشته باشند.

نه فقط مورخی چون یعقوبی که پیرو تشیع است آن‌را ذکر می‌کند؛ بلکه تعداد قابل توجهی از مورخان و محدثان اهل سنت، به نقل احادیث و مطالبی معتبر در این‌باره روی آورده‌اند و مرحوم علامه شیخ عبدالحسین امینی در کتاب سترگ «الغدير»، همه این مدارک و منابع را به طور مستند و با نگرشی پژوهشی و دقیق، ذکر کرده است. درست است که بعد از گذشت قرن‌های دراز، نمی‌توان عقربه زمان را به عقب برگردانید و به ستم آشکاری که در امر خلافت حضرت علی علیه‌السلام واقع شد، خاتمه داد؛ اما وجود این همه روایات و اسناد، برخلاف آن‌چه برخی از متعصبان مخالف می‌پندارند، به خوبی نشان می‌دهد سخن کسانی از مسلمانان که به چنین حدیثی متمسک هستند و رهبری آن امام همام را اصل مذهب می‌پندارند، بی‌اساس نیست. با انصاف‌ها نیز متوجه چنین حقیقتی می‌شوند که نباید شیعیان را بدین سبب ملامت کنند و اهل بدعت بشمارند.

### جو بیار جاوید

از اموری که در ماندگاری ماجرای غدير دخالت داشته و آن‌را ثابت و استوار ساخته، این واقعیت است که از نخستین سال وقوع آن، این روز خجسته و شکوهمند را عید می‌گرفته‌اند، جشن‌ها بر پا کرده و حاضران به یکدیگر تبریک می‌گفته‌اند، به دیدن هم رفته و با سادات و علما دیدار داشته و دارند. نیز به دعا، زیارت، دل‌جویی از مستمندان و اطعام بینوایان می‌پرداخته‌اند این عید در خلال ایام و سپری شدن قرن‌ها و دوره‌های تاریخی، رویداد غدير را تازه‌تر و با طراوت ویژه‌ای جلوه‌گر می‌سازد و توجه جهانیان را به واقعه‌ای که در خود گنجینه، جلب می‌نماید و بدین وسیله، غبار گذشت‌زمان، از چهره‌اش سترده می‌شود. البته این عید به شیعیان اختصاص ندارد. اگرچه آنان را بدان علاقه فراوانی است؛ ولی ابوریحان بیرونی، دانشمند ایرانی می‌گوید: غدير، از عیدهایی است که همه مسلمانان بر پا می‌داشته‌اند و آن‌را جشن می‌گرفته‌اند».<sup>۷</sup>

ابن طلحه شافعی‌مذهب هم یادآور شده است: غدير، عید و یادگاری تاریخی است؛ زیرا در چنین روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آشکارا حضرت علی علیه‌السلام را به مقام ارج‌مند امامت و پیشوایی پس از خود برگزید و وی را بر دیگر مسلمانان فضیلت بخشید. در منابع تاریخی، شواهد زیادی ملاحظه می‌شود که عید غدير در میان تمام مسلمانان جهان مورد توجه و احترام بوده است. مصریان به آن عنایت داشته‌اند و مسلمانان آفریقا، آسیای جنوب شرقی، آسیای صغیر، آسیای میانه و هندوستان، در برپایی آن کوشا بوده‌اند عبدالله علایی دانشمند سنی مذهب معروف لبنانی می‌گوید: «عید غدير، جزء اسلام است؛ هرکس آن‌را انکار کند، منکر اسلام شده است».<sup>۸</sup>

### پی‌نوشت‌ها

۱. مانده، ۶۷.
۲. علامه امینی، الغدير، ج اول، صص ۱۲ - ۱۱.
۳. مانده، ۳.
۴. الغدير، ج اول، صص ۲۸۳.
۵. محمدرضا حکیمی، حماسه غدير، صص ۳۷۴.
۶. همان، صص ۳۹۶ و ۴۰۳.
۷. ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه، صص ۳۹۵.
۸. حماسه غدير، صص ۳۶.